

من ایرانی هستم

دغدغه هویت

● **قمر تکراور:** برای دیدن خانواده ناهید و شنیدن داستان‌شان به چرک رفتم. مرا به منزل‌شان دعوت کرده بود. وارد خانه که شدم اولین چیزی که نظر را جلب کرد، نبود میلمان بود چون خانه بزرگ و وسایل خانه مجلل بود، نبود میلمان به چشم می‌آمد. چند دقیقه بعد بدون اینکه بیرسم در میان صحبت‌هایشان دلیلش را متوجه شدم. از درس‌های مهاجربودن در اینجا خسته شده و تصمیم گرفته بودند به آلمان مهاجرت کنند، به همین خاطر پدر کارگاه خايطی را فروخته بود. ماشین و بخشی از وسایل خانه را هم فروخته بودند. داشتند زندگی را جمع می‌کردند که بروند اما یک سفر به شیراز وضعیت را تغییر داده بود. مادر بزرگ مانع شده بود و پدر و مادر هم که به اصرار بچه‌ها داشتند تن به این مهاجرت می‌دادند، خوشحال شده بودند از اینکه مادر بزرگ توانسته بر نظر بچه‌ها تأثیر بگذارد و ماندگارشان کند. درس خواندن‌شان اینجا درس‌های زیادی داشت. ناهید و دو تا از برادرهایش دلسرد شده و درس را در مقطع دیپلم رها کرده بودند. می‌دانستند اگر درس بخوانند هم نمی‌توانند با مدرک آن کار کنند. برادرها در کار همراه پدر شده بودند. ناهید حالا خانه‌نشین شده بود چراکه حتی وقتی پنج، شش سال کوچک‌فو کار کرده بود و می‌خواست مربی شود، به او مدرک نداده و گفته بودند اجازه مربی‌گری ندارد. برادر کوچک‌ترش امیرعلی سودای فوتبالیست‌شدن داشت اما از ۱۱سالگی مواجهه‌اش با درهای بسته شروع شده بود. وقتی در آزمون تیم راه‌آهن قبول شده بود، شناسنامه‌داشتن مانع ورودش شده بود. فوتبالیست‌خوب‌بودن کافی نبود، برای فوتبالیست‌شدن نیاز به شناسنامه داشت.

مادر ناهید اهل شیراز بود و ۲۶ سال پیش وقتی ۱۳ساله بود با مردی افغانستانی ازدواج کرده بود. ازدواجی که برای خانواده‌اش پذیرفته شده بود چراکه خواهر بزرگ‌ترش هم با مردی افغانستانی ازدواج کرده بود و خانواده باور داشتند که همسر مرد خوبی است. حاصل این ازدواج دو دختر و سه پسر بود. حالا گاهی به رفتن از ایران فکر می‌کردند و گاهی مصر می‌شدند و توان‌شان را می‌گذاشتند برای گرفتن شناسنامه. الان شش سال بود که ناهید برای شناسنامه بعد از ۱۸ سال اقدام کرده بود و هنوز موفق به گرفتن آن نشده بود. دو تا برادرش هم بعد از او اقدام کرده بودند و الان هر سه منتظر خبر وکیلشان در افغانستان بودند. ناهید با خودش فکر می‌کرد الان هم دیگر شناسنامه بگیریم، خیلی برای ما فایده‌ای ندارد چون آن زمان که می‌خواستیم از آن استفاده کنیم و درس بخوانیم که نداشتیم. اما به خاطر خرد و برادر کوچک‌ترش که ابتدای راه شده بود، هر روز پیگیر اخبار بودند که شناسنامه از راه برسد. ناهید می‌دانست اگر با مردی ایرانی ازدواج کند بلافاصله شناسنامه می‌گیرد اما با وجود اینکه از دبیرستان خواستگار ایرانی داشت، همه را رد کرده بود. می‌گفت کسی نمی‌داند در دل من چه می‌گذرد. خواستگارا هم نمی‌دانستند او شناسنامه ندارد چون از ظاهرش معلوم نبود که ریشه افغانستانی دارد. معلوم نبود اگر بداندن چه برخوردی می‌کند. او می‌ترسید، می‌ترسید ا اینکه به خاطر دورگه‌بودن طرد شود. با پدرش و فامیل پدرش بد برخورد شود و در ازدواج او، به خاطر ملیتشان تحقیر شوند.

[[**اسامی استفاده‌شده در متن واقعی نیستند و به درخواست افراد برای ناشدن نام‌شان از اسامی مستعار استفاده شده است.**

شرق: جوامع انسانی در عصر کنونی دستخوش تغییرات زیادی شده‌اند؛ دگرگونی در ساحت‌هایی متنوع، از اقتصاد گرفته تا عرصه سیاست، اجتماعی و مدنی که شبکه‌هایی درهم‌تنیده از مناسبات و نظم‌های نوین را پیوسته تولید و بازتولید می‌کند و از نظر ماهیت، مضمون و جهت‌گیری نیز از دوره‌های پیشین متفاوت است. در این «موقعیت» جدید، انسان‌ها حق و حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی دیگری یافته‌اند و نظام‌های توزیعی، کنترلی و تخصصی و حکمرانی، وظایف و ترجیحات خود را با الزامات «جهان اجتماعی» وفق داده‌اند. در جهان اجتماعی جدید ساختارها، تشکیلات و مسئولیت‌های جدید پدیدار شده‌اند و کارکردها نیز در پیوند با بازیگران و کنشگران اجتماعی تعریف می‌شوند. این همه آن چیزهایی است که ذیل مفهوم فراگیر «رفاه و تأمین اجتماعی» صورت‌بندی می‌شود و امروزه از جمله شاخص‌هایی محسوب می‌شود که با تکیه بر آن می‌توان کیفیت حیات فردی و اجتماعی و عادلانه‌بودن آن را محاسبه کرد و از سویی نیز به‌مثابه سازوکاری است که در تمام لایه‌های اجتماعی گسترش و عمق می‌یابد و دستیابی جوامع به عدالت، ثبات و پایداری اجتماعی را محتمل‌تر می‌کند. در ابعادی کلان‌تر رفاه اجتماعی هم‌راد «توسعه» (در معنای عام آن) نیز محسوب می‌شود. باور عمومی، تجربه جهانی و نظورری‌های نهاده‌نشده رفاهی سهل‌الوصول‌تر می‌شود و تقریباً تمام دولت‌ها نیز یکی از شاهراه‌های توسعه‌یافتگی را به شاهراه رفاه اجتماعی اختصاص داده‌اند. گرچه تبارشناسی نظام رفاه و تأمین اجتماعی در ایران کنونی تا سال‌های دهه ۱۳۸۰ عقب می‌ی‌ود، مرور دستاوردهای تاریخی ۱۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد که رفاه و تأمین اجتماعی در هر مرحله دوره‌های تکملی مختلفی را متناسب با اقتضاتات زمانه و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، پشت سر گذاشته است. هفته‌ای که در آن به سر می‌بریم، به نام تأمین اجتماعی است و به همین مناسبت نشست تخصصی با عنوان «تأمین اجتماعی و توسعه رفاه‌محور» در «خانه گفتمان شهر» برگزار شد

که در آن علی حیدری، نایب رئیس هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی و مسئول هماهنگی دبیرخانه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، مسعود عالمی‌نسی، رئیس گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی سخنرانی کردند. حیدری از ابعاد توسعه‌ای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی گفت، عالمی‌نسی درباره نظام تأمین اجتماعی، جمعیت و رفاه اجتماعی صحبت کرد و در نهایت خانیکي هم سه‌جانبه‌گرایی را مدلی از گفت‌وگوی اجتماعی توصیف کرد و به تبیین آن پرداخت. در ادامه گزیده‌ای از این نشست را در قالب سه گفتار جداگانه می‌خوانید.

وظایف حاکمیت در قبال جامعه

علی حیدری، نایب‌رئیس هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی: یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه رفاه، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است با این حال این انتقاد نیز وارد است که چرا چنین قانونی دیر به تصویب رسید و چرا در اجرا، اعتنای چندانی به آن نشد. اگر به اصول و سیاست‌های کلی نظام در حوزه رفاه، بیمه و تأمین اجتماعی دقت کنیم، برخی مبانی اصلی همچون عدالت، اصل ابتدای اشتغال و خوداتکالی (حمایت و مساعدت اجتماعی از طریق نظام بیمه‌ای، کارگستری، توانمندسازی)، کرامت انسانی در طراحی و اجرای برنامه‌های امدادی و حمایتی، اصول و قواعد و محاسبات بیمه‌ای، فراگیری، جامعیت و کیفیت و… مورد توجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این،

نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مبتنی بر رویکردهای توسعه‌ای بوده است. برای مثال قرار بود مساعدت‌ها، کمک‌ها و یارانه‌های اعطایی از محل منابع عمومی و بودجه دولتی هدفمندسازی شوند به طوری که این اطمینان حاصل شود که جامعه هدف بهره لازم را از امتیازها و خدمات ببرند. هدف دیگر این بود که وظایف و مأموریت‌ها تخصصی شوند و تقسیم کار نوین و تفکیک حیطه عمل سازمان‌ها و صندوق‌های فعال در عرصه رفاه و تأمین اجتماعی انجام شود به نحوی که از موازی‌کاری، تکرار و تداخل مسائل پیشگیری شود؛ زمینه مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در تأمین بار مالی خدمات و پوشش‌های بیمه‌ای سطوح بالاتر مهیا شود و ….

در دنیا رویکردهای مختلفی درباره نسبت و رابطه عدالت اجتماعی (تأمین اجتماعی و…) و توسعه وجود دارد که صورت‌بندی آنها عموماً یا به شکل تقابل عدالت و توسعه‌اند یا به یکی از این دو اتکا دارند یا یکی را بر دیگری مقدم می‌دارند. برخی رویکردها نیز قائل به تقارن و ملازمت میان عدالت و توسعه هستند. قانون ۱۳۸۳) نیز با همین رویکرد تقارنی تدوین شده و در آن تأکید شده که تأمین اجتماعی، ابزار، زیرساخت و هدف توسعه است. منطق زیرساختی‌بودن تأمین اجتماعی از این جهت است که رشد و تعالی یک کشور وابسته به وجود لشکریان توسعه اعم از کارکنان، کارگران و… است و اینها نیز برای اینکه بخواهند و بتوانند در فرایند توسعه حضور و نقش آفرینی داشته باشند، باید از حداقلی از کیفیت زندگی برخوردار باشند. تأمین اجتماعی در عین حال ابزار است چراکه در فرایند گذار به سمت توسعه یا در حین جراحی و انتقال اقتصادی، هم لشکریان توسعه به حمایت، آرامش خاطر و انگیزه بیشتر نیاز دارند و هم برخی گروه‌های هدف و اقشار محروم، کم‌توان و آسیب‌پذیر، نیازمندی بیشتری به حمایت در قبال پریشانی‌های اقتصادی ناشی از تغییرات مؤلفه‌ها و متغیرهای اقتصادی پیدا می‌کنند.

نکته این است که در اصول متعددی از قانون اساسی کشور نیز به وظایف دولت در قبال تأمین اجتماعی و رفاه عمومی به‌صراحت یا به اشاره، پرداخته شده است. عدالت اجتماعی و تأمین اجتماعی جزء آرمان‌ها و شعارهای مردم در سال ۱۳۵۷ بود که در اصول ۳ (بند ۱۲)، ۲۱، ۲۹، ۴۳ (بند ۱) و ۴۵ قانون اساسی تبلور یافته است. این در حالی است که در زمینه تأمین اجتماعی فقط بر اصل ۲۹ تکیه می‌شود. در اصل ۴۵ این قانون که باید آن را از جمله اصول مغفول‌مانده محسوب کرد، گفته شده که انفال و ثروت‌های عمومی باید به مصرف مصالح عامه برسد که به‌طورقطع امروز می‌توان تأمین اجتماعی را یکی از مصادیق این مصالح به‌شمار آورد. به موجب صدر و تبصره ۲ ماده یک قانون

جامعه

در نشست تخصصی «تأمین اجتماعی و توسعه رفاه‌محور» بررسی شد

راه رفاه از کدام سواست؟



ساختار، حمایت از همه آحاد ملت در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن، از وظایف اساسی دولت شمرده شده و به‌موجب تبصره ۱ همان ماده برخورداری از تأمین اجتماعی حقی همگانی و در شمار تکالیف دولت قرار گرفته است؛ امری که در منشور حقوق شهروندی نیز گنجانده شده و برخلاف برخی تلقی‌ها، لطف حاکمیت نیست. به علاوه اینکه اخیراً و براساس قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به‌ویژه ماده ۵۷ آن و قانون برنامه ششم توسعه کشور در دو ماده ۸۰ و ۸۱، نقش‌ها و کارکردهای شورای‌عالی رفاه و تأمین اجتماعی در ساماندهی مسائل رفاه و تأمین اجتماعی تقویت شده است.

در بحث‌های بیمه‌ای به مدل نیاز داریم

مسعود عالمی‌نسی، مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی: اخیراً پژوهشی به سفارش مجمع تشخیص مصلحت نظام در تحلیل و ارزیابی ۱۲سیاست کلی جمعیت انجام دادیم که بخشی از این پژوهش که با تأمین اجتماعی ارتباط وثیقی پیدا می‌کند، یکی از دستاوردهای این پژوهش این است که ما در آن تاحدودی نسبت روشنی بین تأمین اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی، حداقل در سه سیاست از بین ۱۴ سیاست کلی جمعیتی، شناسایی و آنها را تبیین کردیم. به توجه به اینکه اکنون نرخ دوری در کشور به حدود سطح جانشینی رسیده است، سیاست اول، ارتقای نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی و در نتیجه ارتقای بالندگی، یوبایی و جوانی جمعیت است. برای تحقق این سیاست به دو شاخص نیاز داریم، یکی، ایجاد بیمه ناباروری و افزایش پوشش آن و دیگری، افزایش پوشش بیمه زایمان. سیاست دوم هم که به حوزه‌های بیمه‌ای مربوط می‌شود و در آن به‌طور مشخص به بحث‌های بیمه‌ای پرداخته شده، بر اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهاده‌ا و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط تأکید می‌کند و دو شاخص سهم بیمه پایه و تکمیلی در تأمین هزینه درمان ناباروری و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان برای آن در نظر گرفته شده است. سومین سیاست هم به فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب اشاره دارد. برای این سیاست نیز یک شاخص تحت‌عنوان کفایت مزایای بازنشستگی در نظر گرفتیم. به‌طور کلی، با تبیین و ارزیابی این سیاست‌ها و شاخص‌های آنها، می‌بینیم که دو تا از مهم‌ترین محورهای نظام تأمین اجتماعی، یعنی بیمه درمانی و دیگری بازنشستگی در دل این سیاست‌های

جمعیتی وجود دارند و من در اینجا درباره هر دو بحث خواهم کرد. در حال‌حاضر سه میلیون زوج نابارور در کشور داریم که اگر درصدی از آنها هم درمان شوند، می‌توانند تأثیر زیادی در جوان‌سازی جمعیت داشته باشند. هزینه متوسط هر دوره درمانی ناباروری در مراکز دولتی و خصوصی حدود شش میلیون تومان است و معمولاً هر فرد دارای این مشکل برای فرزنددارشدن لازم است ۴–۳ دوره درمانی را انجام دهد. البته این نرخ برای دو سال قبل است و احتمال زیاد تا امروز افزایش پیدا کرده است. نکته قابل‌توجه اینجاست که در چنین وضعیت هزینه‌زایی که نیاز است نهادهای بیمه‌ای و حمایتی وارد عمل شوند، تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور خدمات تشخیصی و درمانی ناباروری را پوشش نمی‌دهد و صرفاً داروهای مورد نیاز برای درمان ناباروری را بیمه می‌کند که قبلاً تنها ۱۰ قلم دارو را شامل می‌شد و اخیراً طبق دستور معاون درمان و مدیرکل درمان غیرمستقیم سازمان تأمین اجتماعی، داروهای مورد نیاز در بخش درمان ناباروری طبق مصوبه شورای عالی بیمه، تحت پوشش بیمه قرار گرفته است.

این درحالی است که در بسیاری از کشورهای جهان تمام یا بخش بزرگی از هزینه‌های مربوط به درمان ناباروری توسط بیمه‌ها تأمین می‌شود. برای مثال تمامی هزینه‌های مربوط به درمان ناباروری در کشورهای عربستان، لیبی، مجارستان، فرانسه، اسپانیا، اسلونی و دانمارک تحت پوشش بیمه قرار دارد. در اتریش نیز دومس هزینه‌ها توسط نظام ملی سلامت پوشش داده می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه در کشور ایران، حدود سه میلیون زوج نابارور وجود دارد، ضروری است که سازوکارهایی برای پوشش بیمه‌ای هزینه‌های درمان ناباروری این گروه بزرگ در نظر گرفته شود؛ چراکه تحت‌پوشش قرارگرفتن هزینه‌های درمان ناباروری هم برخی موانع فرهنگی را در درمان این موضوع برطرف می‌کند و هم می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر افزایش مولاید کشور داشته باشد. طبیعتاً عملیاتی کردن چنین ضرورتی، به یک مدل جامع بیمه‌ای احتیاج دارد.

در دنیا چهار نوع سیستم توزیع خدمات درمانی وجود دارد: مدل اول، بازار خصوصی بدون بیمه است که در آن مصرف‌کننده به شکل مستقیم و متناسب با خدماتی که دریافت می‌کند، خدمات را از فراهم‌کننده خریداری می‌کند. سیستم دوم مبتنی بر بازپرداخت است؛ یعنی مصرف‌کننده خدمات را به‌صورت پولی دریافت می‌کند اما در نهایت چون مشارکت اقتصادی داشته، پرداخت از جیب خود را از سازمان بیمه‌گر وصول می‌کند. در سیستم سوم که همان سیستم بیمه‌ای مرسوم است و در کشور ما نیز وجود دارد، مصرف‌کننده حق بیمه پرداخت می‌کند و از طریق طرح‌های سلامت، اعتبارات ارائه خدمات درمانی به فراهم‌کننده این خدمات پرداخت می‌شود. این نوع نظام پرداخت، متنوع است و مصرف‌کننده حمایتی از انتخاب دارد. در مدل چهارم که در اکثر کشورهای توسعه‌یافته اجرا می‌شود، بین مصرف‌کننده و طرح سلامت یک واسطه به نام اسپانسر یا حامی اضافه می‌شود که کارش این است که از مصرف‌کنندگان پول را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم جمع‌آوری و بعد به طرح سلامت پرداخت کند. در این مدل دو اتفاق می‌افتد؛ یکی اینکه مصرف‌کننده حامی را انتخاب می‌کند و دوم اینکه حامی، طرح سلامت را انتخاب می‌کند و از این طریق، چندین راه و شیوه ایجاد می‌شود و یک بازار رقابتی برای بیمه‌کردن شکل می‌گیرد. پیشنهاد مشخص من این است که ما نیز باید به‌هر حال به سمت مدل چهارم برویم و این البته به تغییراتی در قوانین مادر نیاز دارد و اصلاً موضوع ساده‌ای نیست.

ادامه در صفحه ۱۳

سودوکو سخت ۲۴۲۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۴۲۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورها، مختلف به چاپ می‌رسد.

نگاه

وضعیت جنگل‌های هیرکانی پس از ثبت جهانی

● **ایسنا:** رئیس شورای‌عالی جنگل از تدوین برنامه‌های مدیریتی و حفاظتی ویژه برای حفظ میراث جهانی جنگل‌های هیرکانی خبر داد و گفت: به‌طورقطع برای این کار دولت اعتبارات ویژه‌ای در نظر خواهد گرفت، علاوه‌بر آن برای حفاظت از این نقاط از اعتبارات بین‌المللی نیز می‌توانیم استفاده کنیم.کامران پورمقدم با اشاره به اینکه کشور ایران ۱۲ نقطه از جنگل‌های هیرکانی را به یونسکو برای ثبت جهانی معرفی کرده است، اظهار کرد: مساحت این ۱۲ نقطه ۳۰۷ هزار هکتار است که خوشبختانه هفته گذشته به‌عنوان میراث جهانی ثبت شد. وی با بیان اینکه اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) معیارهایی را برای ثبت یک اثر طبیعی به‌عنوان میراث جهانی تعیین کرده است، تصریح کرد: ازاین‌رو پس از معرفی یک اکوسیستم به یونسکو برای ثبت جهانی، افرادی برای ارزیابی آن اکوسیستم و انطباق آن با معیارهای تعیین‌شده از آن بازدید می‌کنند؛ برای مثال می‌توان گفت اثری که برای ثبت جهانی معرفی شده باید به‌عنوان یک پدیده ممتاز طبیعی و چشم‌اندازی استثنایی داشته باشد. از سوی دیگر اثر معرفی‌شده باید نمایانگر فرایندهای مهم زمین‌شناسی و شکل‌گیری جغرافیای طبیعی باشد. رئیس شورای‌عالی جنگل با اشاره به اینکه اکوسیستم معرفی‌شده به یونسکو برای ثبت جهانی همچنین باید تنوع زیستی بالایی داشته و دارای گونه‌های نادر از نظر تاریخی و باستانی باشد، اظهار کرد: نکته مهم در کنار این عوامل این است که عوامل تهدید، تهدید و تغییر کاربری در مناطقی که برای ثبت جهانی معرفی می‌شوند، وجود نداشته و تقریباً حالت بکر خود را حفظ کرده باشند. ازاین‌رو ما سعی کردیم که در جنگل‌های هیرکانی مناطقی را برای ثبت جهانی به یونسکو معرفی کنیم که منطق با این شاخص‌ها باشد. پورمقدم با تأکید بر اینکه در حال‌حاضر باید برای نقاطی از منطقه هیرکانی که ثبت جهانی شده است طرح‌های مدیریتی و حفاظتی ویژه بر اساس معیارهای جهانی داشته باشیم تا بتوانیم وضعیت فعلی آن را حفظ کنیم، گفت: به‌طورقطع این کار در اولویت سازمان جنگل‌ها قرار دارد و دولت نیز اعتبارات ویژه‌ای برای این موضوع در نظر خواهد گرفت. وی با بیان اینکه هدف سازمان جنگل‌ها این است که به‌تدریج عوامل تهدید و تخریب در نقاط دیگر جنگل‌های هیرکانی را حذف و آنها را نیز برای ثبت جهانی معرفی کند، اظهار کرد: یکی از دستاوردهای ثبت جهانی آثار طبیعی این است، که ارزش جهانی پیدا می‌کند و تمام کشورهای عضو یونسکو متعهد می‌شوند که وظیفه خود را در قبال حفظ این میراث جهانی انجام دهند، بنابراین برای حفظ نقاط بکر هیرکانی می‌توانیم از اعتبارات بین‌المللی که یونسکو برای حفاظت از میراث جهانی پیش‌بینی کرده است نیز استفاده کنیم. رئیس شورای‌عالی جنگل در پایان با اشاره به اینکه میراث ثبت‌شده در یونسکو مناطق امنی با شاخص‌های اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) تدوین و اجرایی کند. مساحت کل جنگل‌های هیرکانی در شمال کشور دو میلیون هکتار برآورد شده است که حدود ۱۰ روز گذشته ۳۱۰ هزار هکتار از آن به‌عنوان میراث جهانی یونسکو ثبت شد.